

صبح ایران

ویژه فرهنگ هنرورسانه

قاب‌هایی از انار و هندوانه در سینمای ایران

شب شیرین



صفحه ۷

گفت‌وگو

زینب عیلپور طهرانی- سپیده اشرفی | گروه رسانه

سال‌هاست که علاوه بر میوه‌های سرخ و زرد شب پیدا، رسانه ملی هم پای ثابت دورهمی‌های آخرین روز پاییز می‌شود تا خاطره ماندگاری برای مخاطبان رقم بزند. تلویزیون و رادیو همیشه تلاش کرده برای پاسداشت این آیین باستانی ایرانی، ویژه‌برنامه‌های مختلفی تدارک ببیند تا شب خاطره‌سازی برای آنهایی باشد که رسانه ملی را به جمع خودشان آورده‌اند. از بیان آیین و سنت‌های ایرانی تا مهمانانی که در قاب تلویزیون از خاطرات پلدایی خود می‌گویند، همه بهانه‌ای برای خاطره‌سازی است. در بسیاری مواقع هم، حضور هنرمندان در قاب تلویزیون و برنامه‌های رادیویی، بهانه‌ای برای این است که از خاطرات این افراد بشنویم. جام‌جم به بهانه فرارسیدن شب پیدا، سراغ برخی از هنرمندان تلویزیون و رادیورفته تاگفت‌وگفتی درباره خاطرات‌شان بزند و روایت این هنرمندان را بشنود. این هنرمندان در گفت‌وگوی‌شان با جام‌جم، از حال و هوای خود و خاطرات‌شان از این شب خاطره‌ساز می‌گویند.

میوه‌های سرخ و زرد شب پیدا

جواد انصافی، بازیگر پیشکسوت تلویزیون درباره خاطرات خود از شب پیدا به جام‌جم می‌گوید: سال‌های قبل بیشتر شب‌های پیدا، خانواده در خانه ما جمع می‌شدند، اما در پنج سال گذشته همیشه در برنامه بودم. من بزرگ‌تر جمع نبودم اما می‌دانستند که من مراسم پیدا را به خوبی می‌دانم. مثلاً نوروز را در خانه برادر بزرگ‌ترم بودیم اما پیدا در خانه ما بودند. من درباره هر چیزی توضیح می‌دادم. آخرین مراسمی که داشتیم این بود که به تعداد نفرات، توتک یا کلوچه درست می‌کردیم و در یکی از آنها یک مهره می‌گذاشتیم تا به هر کس برسد به آن جایزه بدهیم. پشتوانه علمی این کار هم این بود که برای زیردندان نرفتن مهره، باید کلوچه را نصف می‌کردند. این در واقع غذا خوردن اصیل ایرانی است که باعث می‌شود لقمه‌ها را کوچک‌تر برداریم. در عین حال چون نمی‌دانستند که مهره چه اندازه‌ای است، لقمه‌ها را آرام‌تر می‌چوند. این جزو آداب غذا خوردن ایرانی است که آرام و کوچک لقمه را بردارند. من در شب پیدا درباره این مسأله توضیح می‌دادم. وی ادامه می‌دهد: پلدای دوران کودکی ما به زمان پدر و مادر ما برمی‌گشت که سفره پلدایی ما روی کرسی قرار داشت و قصه‌های قدیمی تعریف می‌کردند. از آنجا جرقه این کار در ذهن

هنرمندان در گفت‌وگو با «جام‌جم» از دورهمی‌های بلندترین شب سال می‌گویند

اتحاد ملی با حفظ آیین سنتی

من زده می‌شد که از خودم می‌پرسیدم چرا باید همه میوه‌ها قرمز و زرد باشد. بعدها در پژوهش فهمیدم که دلپیش این است که باید به رنگ طلوع و غروب آفتاب باشد. امیدوارم این آیین باقی بماند و بتواند اتحاد را بین مردم ایجاد کند. ما می‌گوییم تولد خورشید است و روزمان بلندتر می‌شود. در واقع پیدا جدال بین تاریکی و روشنایی و بین خوبی و بدی است. یکی از رسم‌های شب پیدا این بوده که به تعداد نفرات خانه، شمع روشن می‌کردند و دست‌شان را روی آن می‌گرفتند و درباره شمع می‌خواندند.

یک ساعت بدون دغدغه در کنار هم

مهوش وقاری، بازیگر پیشکسوت تلویزیون در خصوص خاطرات خود از شب پیدا به جام‌جم می‌گوید: الان که به گذشته برمی‌گردم، احساس می‌کنم تقریباً همیشه مهمان برنامه‌های شب پیدا و مناسبتی بوده‌ام. با توجه به این‌که انگار جزو پیشکسوت‌ها به حساب می‌آییم، رسم بوده که بزرگان در کنار سفره‌های این چنینی باشند؛ هرچقدر سبم بالاتر رفته، دعوت‌های این چنینی هم بیشتر بوده. خیلی دلچسب است.

وی ادامه می‌دهد: اولین چیزی که برای همه‌مان در پیدا تداعی می‌شود، کرسی است. حتی

شیرین» را راهی آنتن می‌کند. مریم واعظپور، گوینده پیشکسوت رادیوست که برای شب پیدا نیز در رادیو فرهنگ با مخاطبان همراه خواهد بود. این هنرمند درباره این برنامه به جام‌جم می‌گوید: برنامه شب خاطرات شیرین یعنی یادآوری همه روزهای خوشی که در کنار هم گذشت و روشنی پیدا همین دورهمی‌ها و یادکردها و خاطره‌گویی‌هاست.

وی ادامه می‌دهد: پیدا در هرکجای ایران رنگ و بوی خاصی دارد. امیدوارم این شب برای همه مردم شی شاد و به یادماندنی باشد و ما رادیویی‌ها به ویژه در رادیو فرهنگ باگرامیداشت آیین‌های سنتی و رسوم مردم برای حفظ هویت فرهنگی تلاش می‌کنیم.

مهمانی باشکوه و اصیل ایرانی

میرطاهر مظلومی با برنامه طاهر شو در رادیو نمایش همراه مخاطبان خواهد بود. وی در این باره در گفت‌وگویی بیان کرده است: از این

پس برنامه «طاهر شو» در فواصل متفاوتی از آنتن رادیو نمایش پخش می‌شود. این برنامه گفت‌وگومحور در باره آیین‌های اصیل گذشته ایرانی است که این بار به بهانه شب پیدا از رادیو نمایش پخش می‌شود. وی افزود: در این برنامه تلاش داریم از حال و هوای مدرن فاصله بگیریم و درکنار مهمانان برنامه از گذشته پربار، معرفت، مهریانی و اخلاق بگوییم. تمرکز طاهر شو بیشتر بر رسم و رسومات اصیل ایرانی و تجربه‌های ارزنده بزرگان و پیشکسوتان است.

مظلومی در پایان گفت: امیدوارم در آینده، این برنامه علاوه بر رادیو، از سیما نیز پخش شود تا بتوانیم مهمانی باشکوه و اصیل ایرانی را با مخاطبان فہم رسانه شریک شویم.

یادی از بزرگان و مرور خاطرات

فاطمه رکنی، گوینده پیشکسوت درباره حال و هوای شب پیدا، این رسم دیرینه و پابرجا به جام‌جم عنوان می‌کند: شب پیدا یک دورهمی خانوادگی برای مرور خاطرات و یادکردن از بزرگان است.

وی که در برنامه شب خاطرات شیرین نیز حضور دارد، می‌گوید: ما در شب خاطرات شیرین تلاش می‌کنیم برای بزرگ‌ترهایی که فرزندان خود را به هر دلیلی در کنار خود ندارند و فرزندانی که جای خالی بزرگ‌تراها را حس می‌کنند، یک خانواده باشیم. آیین‌های سنتی، نخ تسبیح کنار هم قرار گرفتن ما ایرانیان است.

نشاط و امید و پاسداشت خانواده

ناصر قوام‌پور، دیگر گوینده پیشکسوت رادیو است که در برنامه خاطرات شیرین شبکه رادیویی فرهنگ حضور دارد. وی به جام‌جم می‌گوید: آیین‌های سنتی، نخ‌های نامرئی هستند که دل‌های ما ایرانیان را هرچاکه باشیم به هم وصل می‌کنند.

این هنرمند ادامه می‌دهد: ما در برنامه شب خاطرات شیرین، آیین سنتی پیدا را که نمادی از روشنی‌بخشی، نشاط و امید و پاسداشت خانواده به ویژه بزرگان است، گرامی داشته و سعی می‌کنیم شب خوبی در کنار مردم عزیز خلق کنیم. گرامیداشت آیین‌های سنتی برای حفظ هویت فرهنگی، مهم است.

نگاه



به یاد کوچه‌های آشتی‌کنان یزد

مگر می‌شود شب پیدا باشد و حالمان خوب نباشد؟ شب پلدایی که بهانه‌ای است برای جمع شدن بزرگ‌تراها، اقوام و فامیل کنار هم. از شما چه پنهان که پیدا یکی از شب‌هایی است که خودم خیلی آن را دوست دارم. فقط به دلیل خاطرات قشنگی که بزرگ‌تراها برای ما تعریف می‌کنند. برای آن فال حافظی که چاشنی شب پلدای ماست. من خودم

همیشه عاشق حافظ بودم و عاشق موسیقی‌های قدیمی و سنتی که در خانه‌های قدیمی پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها روی همان گرامافون‌های قدیمی پخش می‌شد. همان خانه‌های قدیمی و سنتی که در شهر یزد ما به وفور می‌شود دید.

پیدا شبی است که اصلاً متوجه گذشت آن نمی‌شوی. انگار آن شب زمان می‌ایستد تا لحظاتی حال دلت خوب باشد. شب پیدا از آن شب‌هایی است که ما دوست داریم زمان بیشتری را کنار عزیزانمان باشیم. برای من که خیلی جذاب است. چون وقتی به چهره پدر و مادرم نگاه می‌کنم یا به خنده عزیزان مان توجه می‌کنم، خدا را شکر می‌کنم به خاطر لحظات زیبایی که کنار آنها هستم و به خاطر نعمت‌هایی که خلق کرده است. ما در این شب می‌توانیم از محبت بگوئیم و گریزی به گذشته بزنیم. گذشته‌ای که خیلی چیزها را در بر داشت. گذشته‌ای که خاطراتش را ابدران و مادران ما تعریف می‌کنند. پر از زیبایی بود. پر از حال دل خوب بود. همه بایک لقمه نان و پنیر سرشان را روی بالش می‌گذاشتند، اما با خیال راحت می‌خوابیدند. چون مردم در قدیم قانع بودند. اصلاً همه چیز گذشته مثل همین شب پیدا زیباست. شب پلدایی که همیشه لحظه شماری می‌کنم زودتر از راه برسد. همه چیز آن روزها قشنگ بود. رفت و آمدها، خوش و بش‌ها و از همه مهم‌تر قلب‌های انسان‌ها. البته هنوز هم می‌توان آدم‌هایی را دید که حس و حال گذشته را دارند.

امیدوارم حال و هوا و حال دل‌مان هم مثل قدیمی‌ها باشد. انگار در قدیم دل آدم‌ها خیلی به هم نزدیک‌تر بود. انگار صداقت‌ها و همدلی‌ها خیلی بیشتر بود. به همین دلیل پیدا را دوست دارم. چون تمام خاطراتی که از بزرگ‌ترهای مان داریم ما را به همان یکدلی و بکرنگی و صفا و صمیمیت وصل می‌کند. یاد کوچه‌های آشتی‌کنان مان می‌افتم که در یزد ما به وفور می‌توان دید. کوچه‌ها شاید باریک بود، اما قلب‌های انسان‌ها بزرگ بود. پیدا خیلی قشنگ است. امیدوارم پلدای همه پر از عشق، صفا، صمیمیت و برکت باشد. به نظرم اگر یک جاهایی از تفکر و رفتار قدیمی‌ها استفاده کنیم، بد نیست، چون ما را به اصالت‌مان برمی‌گرداند و به کمال می‌رساند؛ پس به یک سری چیزها دل نبندیم، این دنیا زودگذر است و به جایش به مهر و محبت و به لبخند زدن دل ببندیم.



مصطفی‌واغب کوشنده